

نقش مهدی باوری در قیام مختار و بررسی میزان پردازش آن در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هشتم (متوسطه اول)

جمشید منتشلو^۱عباس رهبری^۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه هشتم با تأکید بر نقش مهدی-باوری در قیام مختار پرداخته است. این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و هدف آن بررسی وضعیت اطلاعات تاریخی در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هشتم ابتدایی است. با بررسی محتوای کتاب متوجه می‌شویم درباره قیام مختار در کتاب درسی فوق، توضیح کاملی داده نشده است و دانش آموزان با اصل موضوع و نحوه قیام آشنا نمی‌شوند و باید برای پی بردن به موضوع قیام اطلاعات خود را خارج از مباحث کتاب به دست آورند. این مقاله در تبیین چگونگی این قیام و به جهت روشنگری و تحلیل آن ارائه شده است. در این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا اعتقاد و باور مردم به مهدی (عج) در قیام مختار نقشی داشته است؟ به نظر می‌رسد که قیام مختار بر این اساس نقش مهدی باوری شکل گرفته است و پیروان وی بر اساس این اعتقاد با او همراه شده‌اند. نکته دیگر این که در این تحقیق آنچه شایان توجه قرار می‌گیرد، این است که در این کتاب، اشاره‌ای کوتاه به حضور ایرانیان در زمان امویان شده و مطلب جامعی در این خصوص بیان نشده است.

واژگان کلیدی: مهدی، قیام، عاشورا، مختار، پایه هشتم

^۱ -دکترای تاریخ تمدن و ملل اسلامی، مدرس دروس معارف دانشگاه فرهنگیان شهید مدرس سنندج

^۲ -دکترای تاریخ تمدن و ملل اسلامی، عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان شهید مدرس سنندج، کردستان، ایران

۱- مقدمه

درس تاریخ از دروسی است که دانش آموزان به آن علاقه نشان می‌دهند و دوست دارند از وقایع گذشته اطلاعاتی را به دست بیاورند، با بررسی کتاب درسی کلاس هشتم در مورد قیام مختار متوجه می‌شویم مطالب ارائه شده بسیار کوتاه بیان شده به نحوی که دانش‌آموزان مجبور هستند برای اطلاع بیشتر به کتاب‌های غیر درسی مراجعه کنند و ممکن است مطالب به صورت کامل و مفید در اختیار آنان قرار نگیرد؛ مخصوصاً در مورد قیام بزرگانی که نام آنان در کتاب‌های درسی آمده است و متأسفانه به علت کمبود زمان آموزش درس علوم اجتماعی پایه هشتم به خوبی به این افراد و اهداف قیام‌های آنان پرداخته نشده است. این امر را باید یادآور شویم که دوران قبل از ظهور امام زمان (عج) دورانی است که دین اسلام را بدعت‌های آشکار و نهان فراگرفته و اسلام، به نظرات شخصی، تفسیر به رأی‌ها و هزاران بدعت دیگر، آمیخته شده است. تنها با امر ظهور حضرت مهدی (ع) است که این بدعت‌ها برچیده خواهد شد (طباطبایی، بی‌تا: ۳).

بر این اساس در این مقاله، سعی بر این است که اطلاع دانش آموزان در زمینه مهدی باوری افزایش یافته و با برخی از نکات مهم تاریخ اسلام در مورد قیام مختار آشنا شوند. نگاهی به تاریخ اسلام نشان می‌دهد که در طول زمان، افرادی جاه‌طلب و سودجو ادعای مهدویت کرده‌اند، یا گروهی از مردم عوام افرادی را مهدی می‌پنداشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که موضوع مهدویت و اعتقاد به ظهور و باور به یک منجی غیبی، در میان مسلمانان امری مسلم و مورد قبول بوده است (جعفریان، ۱۳۶۹: ص ۵۷۷) و چون نام یا برخی از نشانه‌های آن حضرت با مشخصات برخی از مدعیان یادشده تطبیق می‌کرده، آنان از این موضوع سوءاستفاده کرده و خود را مهدی قلمداد نموده‌اند. یا چه بسا خود آنان ادعایی نداشته‌اند لکن برخی از عوام الناس از روی نادانی یا شدت ستم و بیدادگری حکومت‌ها یا عجله‌ای که در ظهور مهدی داشته‌اند، یا به علل دیگر، بدون آنکه در مجموع به نشانه‌های حضرت دقت کنند، به اشتباه، آنان را مهدی موعود تصور کرده‌اند.

اما این مدعیان به دو دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای قبل از تولد امام زمان هستند و عده‌ای بعد از تولد آن حضرت، ادعای مهدی بودن نموده‌اند. مدعیان و گروه‌های وابسته به آن دست به قیام می‌زدند، نکته بسیار بااهمیت این است که در عقبه این قیام‌ها فعالیت فکری و فرهنگی پیامبر گرامی اسلام و خصوصاً امامان معصوم بود که هیچ شکی در آن نیست، بیشترین پشتوانه این تفکرها از همان جنبش علمی و فرهنگی است که امامان بعد از شهادت امام حسین (ع) انجام داده‌اند، اما برداشت‌های مختلف افراد قیام‌کننده از آن باعث تفرقه و اختلاف در میان مسلمانان بخصوص در بین شیعه شده است (حسین، ۱۳۸۵: ص ۸۹). و به همین علت گروه‌های مانند کیسانیه، هاشمیه، جارودیه، باقریه، خرمیه، ناووسیه، اسماعیلیه، جناحیه، واقفیه، عسکریه قبل از تولد امام زمان به وجود آمدند که در همه آن‌ها به نوعی ادعای مهدویت وجود دارد (نوری، ۱۳۸۴: ۲۱۴).

باور به مهدی در همان قرن اول اسلام به وجود آمده که شروع آن از کوفه است و باور آن چنان عمیق بود که در طول سالیان همچنان باقی مانده است. این مقاله جهت تکمیل بحث قیام مختار و مهدویت در آن دوران که در کتاب درسی هشتم ارائه شده است.

۲- پیشینه تحقیق

درباره مهدویت کارهای گوناگون صورت گرفته است؛ از جمله مقاله آقای نعمت‌الله صفری و رضا برادرانی در دو با عنوان‌های «مهدی باوری در میان کیسانیه از آغاز تا وفات محمد بن حنفیه» و «بررسی تحلیلی مهدی باوری در میان کیسانیان موعودگرا از وفات ابوهاشم (م ۹۸) تا انقراض نهایی» که هر دو در فصلنامه موعود در شماره‌های ۵۰ و ۵۳ چاپ شده است. مقاله «سیر تاریخی استفاده از عنوان مهدی در نگاه اسلام‌شناسان غربی» حمید سعادت؛ غلامرضا بهروزی لک که در فصلنامه موعود در شماره ۳۹ چاپ شده است. در مورد بررسی کتب درسی، مقاله-ای در این مورد نگارش نشده و تفاوت این مقاله با سایر مقالات در تکمیل اطلاعات معلمان و دانش آموزان کلاس هشتم نگارش شده است.

۳- واژه مهدی

واژه مهدی در لغت به معنای هدایت شده است. در صدر اسلام این واژه به کار رفته و برای برخی از افراد این نام، بیان شده است، به کار بردن این کلمه در مورد بعضی از بزرگان برای تجلیل بوده است که مردم این لقب را برای آنان استفاده می‌کردند؛ چنانچه مصعب بن عمیر را در زمان پیامبر مهدی می‌خواندند (مقدسی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۶۵). این در حالی بود که لقب مهدی از طرف پیامبر (ص) برای او بیان نشده است. هر چند شخصیت مصعب برای شخص پیامبر گرامی مورد قبول بوده و جزء کسانی بود که از طرف پیامبر (ص) جهت تبلیغ دین اسلام و تعلیم احکام اسلامی به مدینه رفت. یا وقتی که در جنگ صفین عمرو عاص از طرف معاویه برای گفتگو با لشکر امیرالمؤمنین علی (ع) می‌آید و می‌گوید یک نفر را بفرستید تا من با او گفتگو کنم. امام، عقیل بن نویره را می‌فرستد و در ضمن سخن و گفتگو او، امام علی (ع) را هادی و مهدی می‌خواند (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ص ۶۲۱). در اینجا مشخص می‌شود که این واژه برای مردم آن زمان ناآشنا نبوده و کاربرد داشته است، اما پیامبر گرامی اسلام مردم را بامعنای واقعی آن آشنا می‌کند و آن را هدف‌دار و جهت‌دار می‌نماید و صاحب این لقب را برای مردم مشخص می‌کند و مردم را به این باور که مهدی خواهد آمد، می‌رساند. بعد از شصت سال از رحلت پیامبر گرامی اسلام مختار ثقفی در قیام خود در کوفه از مهدی نجات‌بخش نام می‌برد و منظور او محمد حنفیه بود که او را همان مهدی نجات‌بخش می‌داند (بلعمی، ۱۳۷۸: ۷۵۴/۴؛ ابوحنیفه دینوری، ۱۹۶۰: ۲۴۹؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ۱۳۹/۲).

۴- محمد حنفیه

محمد حنفیه نخستین فرزند حضرت علی (ع) از سایر همسرانش است. اولین فرزندان آن حضرت، امام حسن و امام حسین (ع)، ام‌کلثوم و زینب و رقیه که مادر آن‌ها حضرت فاطمه (س) است. مادر محمد حنفیه، خوله از طایفه حنفیه است که بعد از او با ام‌البنین ازدواج می‌کند و صاحب فرزندان می‌شود که در واقعه عاشورا کنار امام حسین (ع) قرار می‌گیرند و به شهادت می‌رسند.

۵- مختار

مختار یکی از شخصیت‌های مشهور در تاریخ اسلامی است و صفحات تاریخ درباره او و قبیله اش مطالب زیادی نوشته است. به طوری که قبیله او به شجاعت و جنگاوری مشهور بودند. مختار بن ابی عبیده بن مسعود بن عمرو بن عمیر بن عوف بن قسی بن هنبه بن بکر بن هوازن از قبیله ثقیف؛ سال یکم هجری قمری به دنیا آمد او از قبیله مشهور و پرآوازه هوازن، از اعراب منطقه طائف است. کنیه اش ابواسحاق؛ و لقبش کیسان بود که فرقه کیسانیه منسوب به اوست. کیسان به معنای زیرک و تیزهوش است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۳۸۶).

خانه مختار، اولین منزلگاه مسلم بن عقیل و محل آمدن او جهت تبلیغ و بیعت گرفتن برای امام بود. ورود پنهانی و غیرمنتظره ابن زیاد به کوفه، ناگهان اوضاع را به هم ریخت و مسلم صلاح دید از خانه مختار به خانه هانی بن عروه، که مرد مقتدر و بانفوذ شیعه در کوفه بود، نقل مکان کند (ابوحنیفه دینوری، ۱۹۶۰: ۲۸۲). مدت حکومت مختار، یک سال و نیم (۱۸ ماه) بود و در ۱۴ رمضان سال ۶۷ هجری قمری در سن ۶۷ سالگی کشته شد.

۴- کوفه و مهدی باوری

کوفه اولین جایی بود که مسلمانان در آن گرد هم آمدند و محل تجمع نظامیان مسلمان بود که بعدها به عنوان اولین شهر اسلامی منطقه عراق لقب گرفت و مسجد کوفه نیز به عنوان اولین بنایی بود که در این منطقه ساخته شد (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰: ۱۵۹). این شهر در سال ۳۵ هجری اسلامی به عنوان پایتخت جهان اسلام از طرف امام علی (ع) انتخاب شد. کوفه، هم مرکز علمی و هم مرکز برخی از قیام‌های صحابه از جمله قیام توابین و قیام مختار بود.

مختار قیام خود را بعد از واقعه عاشورا و قیام توابین در سال ۶۶ هـ.ق در کوفه با شعار «یا لثارات الحسین» شروع کرد. او ابتدا مردم را به نام محمد بن حنفیه و با لقب مهدی دعوت می‌کند و با پذیرش دعوت او زمینه قیام مهیا می‌شود و بسیاری از مردم هم، دعوت او را قبول می‌کنند (ابن اثیر جزری، ۱۳۷۱: ۷۳/۱۲؛ بلعمی، ۱۳۷۸: ج ۴/ ۷۴۴) و با او همراه می‌شوند و قیام او شکل می‌گیرد. حال سؤال این است که چرا مختار را به این اسم می‌خوانند؟ و دیگر اینکه مردم و بزرگان چرا وقتی اسم مهدی می‌آید حساس می‌شوند و به راحتی قبول می‌کنند و باز جای تعجب این است مگر مختار در بین این مردم ناشناس و ناآشنا است و یا مانند دیگر اعراب دارای قبیله و عشیره و طایفه نیست؟ چرا او را به سروری قبول ندارند اما وقتی به نام مهدی دعوت می‌کند همه او را باور می‌کنند و او را یاری می‌کنند (ابوحنیفه دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۰) و خواهان قیام همراه او هستند؟ آیا قیام مختار به خاطر شخص خود است و یا به واسطه کلمه مهدی است که در ادبیات این نهضت به کار رفته است.

مختار چگونه شخصیتی دارد؛ کذاب است یا صادق است و یا چندین شخصیت گوناگون دارد؛ اما اینکه مردم و اطرافیان وی سخن او را به عنوان مهدی مطرح می‌شود، قبول می‌کنند و به عبارت ساده‌تر مردم به خود مختار جواب نمی‌دهند بلکه به ادعای او یعنی مطرح کردن محمد حنفیه به عنوان مهدی پاسخ می‌دهند چون اگر به خود او پاسخ می‌دادند او نیاز نداشت که این کلمه را مطرح کند و مردم را به آن دعوت نماید. طوری که در همان دوره کسانی مانند سلیمان بن صرد خزاعی قیام کرد و مردم و پیروان خود را دعوت کرد جهت قیام برای یک هدف معین و مشخص که عده‌ای قبول کردند و جمع زیادی هم قبول نکردند و چه بسا اگر او هم آن را می‌گفت موفق می‌شد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۰۰).

عبدالله ابن زبیر نیز، مردم را به خود، دعوت و قیام می‌کند؛ بدون اینکه به کس دیگری دعوت بکند، البته شرایط مکه و جو حاکم بر آن با دیگر جاها فرق داشت؛ چه بسا اگر هم دعوت می‌کرد، چندان موفقیتی نصیب او نمی‌شد؛ ولی کوفه آمادگی این را داشت و نتیجه داد. اگر مختار هم مثل این‌ها خواهان داشت حتماً به خودش دعوت می‌کرد (جعفریان، ۱۳۶۹: ص ۵۷۷) پس قیام مختار در سایه مهدویت و مهدی باوری صورت گرفت.

۵- زمینه‌های مهدی باوری

زمینه مهدی باوری از کوفه شروع می‌شود و کوفه را از دیگر جاها متمایز می‌کند. چرا این زمینه از کوفه شروع می‌شود؟ اگر نگاهی به زمان پیامبر (ص) داشته باشیم، خواهیم دید که عده‌ای از اصحاب رسول خدا در زمان خلافت امام علی (ع) که او کوفه را به عنوان مرکز حکومت اسلامی انتخاب کرد (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ص ۴۴۳) به این سرزمین هجرت کردند و جزو پیروان امام علی شدند. تمامی این مردان بزرگ، محدث، راوی و فقیه بودند؛ چنانکه خلیفه دوم می‌گفت تمام راوی شناسان مردم در کوفه‌اند و این نشان می‌دهد که اصحاب و یاران خاص پیامبر نیز در این شهر جمع شده‌اند؛ مانند عمار و یاسر سلمان فارسی سلیمان بن صرد خزاعی و دیگران که همه آنان وزنه‌های علمی اسلام و ناشران واقعی اسلام و

روایان واقعی پیامبر هستند و همچنین امام علی (ع) کوفه را جمجمه اسلام و گنجینه ایمان و شمشیر خداوند خوانده است و یکی از پایگاه‌های مهم اسلامی به شمار می‌رود (واقعی، ۱۳۷۴: ۶/۴۵۲).

کوفه مرکز پیروان امام علی (ع) شد و در این شهر محدثان فضایل خاندان پیامبر را برای مردم می‌گفتند و بیشتر آنان حضور پیامبر را درک کرده بودند و می‌دانستند که کدام‌یک از صحابه در پیش پیامبر دارای چه مقام و منزلتی است و همدیگر را می‌شناختند (ابوحنیفه دینوری، ۱۹۶۰: ۲۷۸)؛ لذا در این شهر است که مهدی را باور می‌کنند و آن را قبول دارند چون بیشتر آنان از اصحاب پیامبرند و قول و حدیث پیامبرشان را شنیده‌اند و قبول دارند و به همدیگر یادآوری می‌کنند و چون از قبل، زمینه آن توسط این اصحاب فراهم شده است و برای این مردم بیان شده است، وقتی شخصی مانند مختار ثقفی مردم را به مهدی می‌خواند، آن را قبول می‌کنند (جعفری، ۱۳۷۴: ۲۸۰-۲۸۵) و به این باور دارند که مهدی موعود وجود دارد. مختار خود در این دوره، بزرگ شده است و فضای حاکم بر کوفه را می‌شناسد و بر اساس آن اقدام می‌کند و این مهدی که مختار به آن دعوت می‌کند، هم برای او شناخته شده است و هم مردمی که به آن دعوت شدند، آن را می‌شناسند و این از قبل برای مردم بیان شده است و به اصطلاح این مهدی برای همگان تعریف شده است. از اینجا روشن است که چرا او مردم را به مهدی دعوت می‌کند؛ از کجا می‌داند و چرا این کلمه را به کار می‌برد؛ قطعاً این بدون آگاهی نبوده است و در مورد این کلمه، اطلاعی داشته است و می‌داند که کاربرد نام مهدی، قیام وی را از دیگران جدا می‌کند و می‌داند که آن را چگونه بیان کند.

۶- ویژگی‌های مهدویت

پس اگر عنوان مهدویت، اصالت اسلامی نداشت، نه مدعیان دروغین می‌توانستند آن را مطرح و وسیله تجمع عوام به دور خود قرار دهند و نه عوام و پیروان مهدی‌های ادعایی شائبه-ای از حقیقت نزد آنان داشتند که بدان‌ها معتقد و علاقه‌مند شوند و از آنان پیروی نمایند.

به‌طور خلاصه اصالت مهدویت و ریشه گرفتن آن از ناحیه شخص پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود که فریب‌دهندگان آن را بهانه دعوی مهدویت قرار دادند و فریب-خوردگان هم گرفتار سراب حقیقت نمای آنان شدند و با هدف رسیدن به حقیقت، دنبال ادعای دروغین آنان را گرفتند و البته کار هر دودسته (فریب-دهندگان و فریب‌خوردگان) به کفر و جدایی از اسلام راستین منتهی شد. روایاتی که از پیامبر گرامی (ص) در مورد امام عصر (عج) رسیده است که از جمله آن-ها عبارت است از:

«ان المهدی اسمه اسمی...»؛ مهدی نجات‌بخش، همانم من است. یاران و پیروان مختار با چنگ انداختن به این روایت پیامبر، «محمد حنفیه» را مهدی نجات‌بخش عنوان دادند و روایت را بدو منطبق ساختند. باینکه پیامبر (ص) دردها روایت، نشانه‌های دیگری را برای آن حضرت برشمرده است که جز خود آن گرامی، دیگران فاقد آن نشانه‌ها و علامت-ها هستند (حسین، ۱۳۸۵: ۳۵-۴۵).

۷- ویژگی‌های مهدی باوری در دوره مختار

وقتی مختار مردم را به مهدی بودن محمد حنفیه فرامی‌خواند (ابن اثیر جزری، ۱۳۷۱: ۳۱۸/۱۱؛ بلاذری، ۱۴۳۰: ۳/۲۸۴؛ بلعمی، ۱۳۷۸: ۷۵۴/۴) و مردم هم دعوت او را می‌پذیرند. این دعوت، همراه با قیام است و این ویژگی مهدی، آن را از سایر مهدی‌های صدر اسلام جدا کرده است و اینجا مشخص می‌شود که مختار از ویژگی‌های مهدی واقعی باخبر است و مردم هم از آن اطلاع دارند و بر همین اساس او قیام می‌کند و او زمینه‌های قیام را هم می‌بیند و طوری است که گویی مختار قبلاً نقشه آن را در دست دارد و بر اساس آن عمل می‌کند و این که مختار شناخت از مهدی و مهدویت را چگونه به دست آورده است؟ بحث و تحقیق جداگانه-ای می‌طلبد؛ ولی همین قدر مشخص است که او با آگاهی و اطلاع از باور شیعیان اقدام می‌کند و اینکه در این زمان امام سجاد (ع) امام شیعه حضور دارد و مختار درصدد است که با او ارتباط برقرار کند؛ ولی موفق نمی‌شود و با محمد حنفیه رابطه برقرار می‌کند و او هم چندان با او موافق نیست و این از سخنان او در باب فضیلت امام علی (ع) و برادران

بزرگوارانش مشخص است (ابن جوزی، ۱۳۷۹: ص ۳۹۴) و در عین حال اهل بیت (ع) مخالف باور مردم نیستند ولی در مصداق آن مخالفت می‌کنند و دقیقاً مختار هم از این باور استفاده می‌کند؛ البته اگر مختار به غیر از این دو به نفر دیگری دعوت می‌کرد، هم شاید موفق نمی‌شد؛ چون این گزینه‌ها به باور مردم نزدیک‌تر بود و چون این از باورهای شیعه است لذا این گزینه‌ها بهترین گزینه است (الشیبی، ۱۳۷۸: ۱۶؛ جعفری، ۱۳۷۴: ۲۷۹؛ عبد دیکسون، ۱۳۸۱: ۶۱).

اما سخن دیگر این است اگر غیر از مختار، کس دیگری مردم را به مهدی دعوت می‌کرد، آیا موفق می‌شد؟ و آیا مردم قبول می‌کردند؟ یا نه؟ جواب این است که مردم قبول می‌کردند؛ چه دلیلی برای این مدعا وجود دارد؟ چون بعد از مختار داعیان دیگری آمده‌اند و مردم را به مهدیان دیگری دعوت کرده‌اند و مردم هم قبول کرده‌اند و این در تاریخ اسلامی ثابت شده است (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۵/۱۰؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۲۹۹) و از اینجا روشن می‌شود که اندیشه مهدی-باوری و مهدی-گرایی یک اندیشه پویا و زنده است؛ اما در خصوص مصداق آن کیست؟ و چگونه است؟ در طول تاریخ دچار اشتباهات زیادی شده است که از بحث ما خارج است ولی مهم این باور به مهدی-باوری است که تداوم دارد و زنده است و تا ظهور مهدی واقعی و صاحب زمان (عج) ادامه خواهد داشت (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷: ۱۰).

۸-زمینه مهدی باوری

قیام مختار و دیگر قیام‌ها مانند توابع بعد از واقعه غم‌انگیز عاشورا اتفاق افتاده است (اصفهانی، ۱۳۳۹: ۲/۲۰) چون باید جامعه آن روز، آن قدر دچار هرج و مرج شده باشد که در هر نقطه جهان اسلام علیه خلیفه آن زمان، شورش اتفاق بیفتد (همان) و امویان که خود را جانشین پیامبر و خلیفه مسلمانان می‌دانستند، واقعه غم‌انگیز عاشورا در زمان آنان اتفاق افتاد و بعد از واقعه عاشورا دست به واقعه دیگری به نام حرّه زدند که آن هم خیلی دردناک بود و آن کشتار بی سابقه در مدینه، شهر پیامبر (ص) جایی که سال‌ها پیامبر در آن زندگی کرده است و مردم آن با پیامبر زندگی کرده‌اند همسایه پیامبر بودند در دوران حیات با پیامبر نشست و برخاست داشتند و قبر پیامبر آنجاست اما با وقوع واقعه حرّه باید از بین بروند و کشته شوند. به طوری که منابع تاریخی تعداد کشته‌شدگان اصحاب رسول خدا (ص) و دیگران در مدینه را در روز در این واقعه، هشتاد نفر از اصحاب رسول خدا (ص) را که در جنگ بدر با او بودند، ذکر کرده‌اند که همه آن‌ها به قتل رسیدند. همچنین از قریش و انصار هفت صد نفر و از سایر مردم ده هزار نفر ذکر کرده‌اند. این حادثه در ۲۷ ذی‌الحجه سال ۶۳ هجری روی داد (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰: ۲۲۶؛ ابوحنیفه دینوری، ۱۹۶۰: ۳۱۰)؛ یعنی ۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر در شهر خود پیامبر توسط خلیفه مسلمین قتل و عام صورت می‌گیرد و تمام این حوادث زمینه قیام و اعتقاد به مهدی را افزایش می‌دهد.

در جامعه آن روز که ظلم و ستم بیدامی کند و قتل عام در خانه خدا و شهر پیامبر صورت می‌گیرد (ابن طباطبای، ۱۳۶۸: ۱۶۰)، افراد جامعه را به عنوان برده می‌گیرند و مانند غیر مسلمانان با آنان رفتار می‌شود (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۸۳)، اصول و فروع اسلامی رعایت نمی‌شود. سخن از جامعه-ای است که جوانان پانزده ساله به هنگام ورود پیامبر به شهرشان، اکنون نزدیک به هفتاد سال سن دارند؛ یعنی دوره پیامبر را درک کرده‌اند و دهه شصت هجری را هم می‌بینند؛ این افراد که به صحابه معروف‌اند در تمام شهرهای اسلامی وجود دارند؛ اما در مدینه بیشترند. همه این حوادث مردم را به باور منجی و مهدی نزدیک می‌کند که پیامبر آن را در میان اصحاب گفته است (مسعودی، ۱۳۶۲: ۴۹۶).

۹-انحرافات مهدی باوری

اما در این مهدی-باوری ممکن است به دلیل فراهم شدن زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه اسلامی و عدم آشنایی مردم با مفاهیم دینی و اعتقادی، شرایط برای افرادی سودجو مهیا شود که مدعیان مهدویت یکی پس از دیگری ظهور کنند و چهره واقعی مهدی موعود را مخدوش و اعتقاد به آن را سست نمایند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷: ۱۱). ما در این باره، شاهد بسیاری از موارد هستیم که در طول تاریخ اسلامی به وجود

آمده-اند و کسانی مانند مختار که به ابن‌الوقت نیز معروف است از این استفاده می‌کنند. چون اعتقاد و باور به مهدی همراه با مبارزه با ظلم و جور است، این اشکال به وجود می‌آید که ممکن است به انحراف فکری و اعتقادی امامت منجر شود. نکته این است که چرا قیام این زمان رخ داد و مردم امام زمان خود را تنها گذاشتند؟ گویی اثبات حقانیت او دچار مشکل گردیده است که حتی بسیاری علما و فقهای آن زمان هم امام خود را نشناختند و فقط عده قلیلی با امام سجاد (ع) بودند که درجایی می‌فرماید: «در مکه و مدینه حدود بیست نفر نیست که ما را دوست بدارد» (شهیدی، ۱۳۶۵: ۱۰۴)؛ اما نکته مهم این است که این باور در مردم بوده، ادامه دارد و دچار فراموشی نشده است و همچنان پویاست.

نتیجه‌گیری

در کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هشتم (متوسطه اول) در صفحه ۶۱ آدر بحث اهداف و دستاوردهای قیام عاشورا حتی یک مورد از قیام‌ها عنوان نشده و در صفحه ۶۶ کتاب آمده است: «مردم ایران که از ظلم و ستم و قوم‌گرایی امویان به ستوه آمده بودند، از هر فرصتی برای مخالفت و مبارزه با حکومت اموی، استفاده می‌کردند، ایرانیان در بسیاری از قیام‌ها و شورش‌هایی که علیه امویان به وقوع پیوست، حضور موثری داشتند؛ برای مثال وقتی مختار ثقفی در کوفه به خونخواهی امام حسین (ع) و یارانش قیام کرد، ایرانیان با شور و شوق به او پیوستند» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۹: ۶۶). همانطور که ذکر شد می‌بینیم که در کتاب درسی در مورد قیام مختار، تنها در حد چند خط صحبت شده است و از سوی دیگر در کنار کلماتی همچون شورش، این قیام آمده است؛ برای دانش آموزان این نکته باقی می‌ماند که آیا این یک قیام مذهبی بوده است و یا یک شورش بر علیه حکومت وقت؟ و ایرانیان بر اساس چه تفکری با مختار همراه شدند؟ اعتقاد به مهدی موعود از زمان پیامبر گرامی اسلام و انمه طاهرین منشأ گرفته است که نمود اولیه آن بعد از واقعه عاشورا در جهان اسلام نمایان می‌شود، این اعتقاد و باور اولیه در بین پیروان امام علی (ع) و در شهر کوفه شکل گرفته است که به طور قطع زمینه این باور را اصحاب خاص پیامبر و امام علی (ع) در میان مردم ایجاد نموده‌اند. چراکه بیشتر این قیام‌ها با انگیزه مهدوی و بر اساس اعتقادات به مهدویت از این شهر به پا خاسته است، فکر و تفکر آن در میان پیروان امام علی (ع) که بعدها به شیعه معروف شدند، برمی‌گردد. لازم به ذکر است باور به مهدی، بیشتر قیام‌ها را تشکیل می‌دهد و مردم را به خود جذب می‌نماید و بیان آن همراه با جنب‌وجوش و حرکت معنادار است که این تفکر بعد از عاشورا بزرگ‌ترین مکتب پویای شیعه است؛ البته این باور نیز دارای انحرافات متعددی است که مهم‌ترین آن عدم معرفت و شناخت امام زمان است. باید اذعان کرد که برای شناخت وقایع تاریخی مهم، نباید در کتب درسی به اختصار بسنده کنیم؛ زیرا آسیب این امر بیشتر از حذف مطلب در کتب درسی خواهد بود و دانش‌آموزان را به کتاب‌های غیر درسی و با اهداف خاص هدایت می‌کند؛ لذا جهت رفع مشکلات ناشی از محتوای آموزشی موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- (۱) در دوره متوسطه اول، درس کتاب تاریخ ایران و اسلام به صورت مستقل از مطالعات اجتماعی تدوین گردد.
 - (۲) برای آموزش در تاریخ ایران و اسلام دو ساعت در هفته برای هر کلاس پیشنهاد می‌گردد.
 - (۳) مباحث تاریخی زیر نظر متخصصین تاریخ ایران و اسلام تدوین و مباحث به صورت مناسب بسط داده شود.
 - (۴) جهت تدوین کتاب درسی از نظریات جدید استفاده گردد تا بعداً برای دانش‌آموزان دوگانگی در ارائه بحث تاریخ ایجاد نشود.
- امید است در چاپ کتابهای درسی در سال‌های آینده موضوعات تاریخی کامل و مناسب سن دانش‌آموزان ارائه و تدریس گردد.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر جزری، عزالدین علی (۱۳۷۱). الکامل فی التاریخ. ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران، ایران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن اعثم کوفی، محمدبن علی (۱۳۷۲). الفتوح. ترجمه محمدبن احمد مستوفی هروی. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن جوزی، سبط (۱۳۷۹). شرح حال و فضایل خاندان نبوت. ترجمه محمدرضا عطایی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن طباطبای، محمدبن علی (ابن طقطقی). (۱۳۶۸). تاریخ فخری. ترجمه وحید گلپایگانی. ایران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۳۹). فرزندان ابوطالب. ترجمه جواد فاضل. تهران: ناشر کتابفروشی علی اکبر علمی.
- الشیبلی، کامل مصطفی (۱۳۷۸). تشیع و تصوف: تا آغاز سده دوازدهم هجری. ترجمه علی رضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: امیر کبیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۳۰). أنساب الأشراف. تحقیق ویلفرد مادلونگ، احسان عباس، عبد العزیز دوری، یوسف عبدالرحمن مرعشلی، عصام مصطفی عقله، محمد یعلووی و رمزی بعلبکی. بیروت - لبنان: المعهد الألماني للابحاث الشرقیة.
- بلعمی، محمد بن محمد (۱۳۷۸). تاریخنامه طبری. تصحیح محمد روشن. تهران - ایران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۹)، مطالعات اجتماعی - پایه هشتم دوره اول متوسطه، چاپ هفتم، تهران، انتشارات، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- جعفری، سیدحسن. (۱۳۷۴). تشیع در مسیر تاریخ. ترجمه محمدتقی آیت اللهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۶۹). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام). تهران، ایران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- حسین، جاسم. (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج). ترجمه محمدتقی آیت اللهی. تهران - ایران: امیر کبیر.
- دینوری، ابن قتیبه. (۱۳۸۰). امامت و سیاست (تاریخ خلفا). ترجمه سید ناصر طباطبایی. تهران: ققنوس.
- دینوری، ابوحنیفه. (۱۹۶۰). الاخبار الطوال. تحقیق عبدالنعیم عامر. قاهره: دار إحياء الكتب العربية.
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۶۵). زندگانی علی بن الحسین (ع). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۱۷). باورداشت مهدویت. قم: نور ولایت.
- طباطبایی، احمد. (بی تا). «انقلاب مهدی موعود (علیه السلام)؛ سرخ یا سبز؟». بازیابی ۲۷ آبان ۲۰۲۰، از <https://rasekhoon.net>
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷). تاریخ طبری. تحقیق ابوالفضل ابراهیم محمد. بیروت: دارالترتات.
- عبد دیکسون، عبدالامیر. (۱۳۸۱). خلافت اموی ۸۶ - ۶۵ ه. ق / ۷۱۵ - ۶۸۴ م: بررسی سیاسی. ترجمه گیتی شکری. تهران: انتشارات طهوری.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵). القاموس المحيط. ج ۱-۴. بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۶۲). اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب. ترجمه محمدجواد نجفی. تهران: اسلامیه.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۶۵). التنبیه و الإشراف. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مسکویه، ابوعلی. (۱۳۶۹). تجارب الأمم. ترجمه ابوالقاسم امامی. ج ۱. تهران: سروش.

مقدسی، مطهر بن طاهر. (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.

نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۳۸۴). نجم ثاقب در احوال امام غایب (علیه السلام). تحقیق صادق برزگر. قم - ایران: مسجد مقدس جمکران.

واقدی، محمد بن سعد. (۱۳۷۴). طبقات الکبری. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

The role of Mehdi Bavari in the Mukhtar uprising and the extent of its processing in the eighth grade social studies textbook (first secondary)

Abstract

The present study has analyzed the content of the eighth grade social studies textbook with emphasis on the role of Mehdi Bavari in the Mukhtar Uprising. This research has been done by descriptive, analytical method and using library documents and resources and its purpose is to examine the status of historical information in the eighth grade elementary social studies textbook. In this book, there is a brief reference to the presence of Iranians in the time of the Umayyads and no comprehensive information has been stated in this regard. And to find out about the uprising, they have to get their information out of the book. This article is presented in explaining how this uprising and for its enlightenment and analysis. In this article, we seek to answer the question whether the belief of the people in the Mahdi (pbuh) played a role in the Mukhtar uprising? It seems that Mukhtar Uprising is based on the role of Mehdi Bavari and his followers have joined him based on this belief and this issue is not addressed at all in the textbook.

Keywords: Mehdi, Uprising, Ashura, Mukhtar, 8th grade

